

درس نه فارسی پنجم دبستان

نام آور: مشهور معروف

منظم: با نظم و ترتیب، آراسته و مرتب

خوش نما: زیبا، آراسته

خیره شدن: چشم دوختن به چیزی، نگاه کردن با دقت به چیزی

ماشاءالله: هر چه خدا بخواهد

محو چیزی شدن: فقط بهویک موضوع اندیشیدن، غرق در کاری شدن

کشمکش: ستیزه، جدال

رشید: خوش قامت

مقدس: پاک، پاکیزه

انقلاب: دگرگونی، تغییر

معاصر: هم زمان، هم دوره

فناوری: بهره گیری از ابزارهای علمی و صنعتی جدید

لحن: آهنگ

سیما: چهره، قیافه، صورت

ناگزیر: ناچار

ان شاءالله: اگر خدا بخواهد

کلمات شعر سرای امید

سرا: خانه، کاشانه، بنا

دمیدن: طلوع کردن و سرزدن خورشید، ماه یا ستارگان

کزین: که از این

خجسته: فرخنده، مبارک

افزودن: بیش، بیشتر، زیاد

مرسد: نرسد، امیدورام نرسد؛ فعلی برای دعا و نفرین

بهروزی: نیکبختی، خرمی

درست و نادرست

۱- (درست)

۲- نادرست

۳- درست



۱- کتابی که آنها را با بزرگمردان و دلاوران دیروز و امروز میهن عزیزمان ایران، آشنا می کرد و سه «فصل داشت: «نام آوران دیروز، نام آوران امروز، نام آوران فردا

۲- اگر گذشته و امروزمان را خوب بشناسیم، در آینده ی نزدیک، خودمان هم یکی از نام آوران فردای ایران خواهیم شد

۳-

فردوسی

حافظ

سعدی

خیام

زکریای رازی

کوروش کبیر

آرش کماندار

امیرکبیر

۴- ما دانش آموزان اگر تمام تلاش و کوشش خود را به کار ببندیم و درسهایمان را خوب یاد بگیریم، در آینده می توانیم به کشورمان کمک کرده و جزئی از نام آوران فردا بشویم

کتاب را بستم

مادرش را دیدم.

کتاب فارسی پنجم ابتدایی را پس از پایان کلاس، به آرامی بستم

مادرش را که زنی میانسال بود از پشت پنجره دیدم

گوش کن و بگو

۱- کلاغ و دارکوب و روباه سوار هواپیما شدند تا از سمرقند به بخارا سفر کنند

۲- زمانهای خیلی خیلی قدیم که هنوز اتوبوس اختراع نشده بود

۳- چون روباه و دوستانش، برای سومین بار، سر به سر مهماندار گذاشته بودند

۴- (شکمی از عزا در آورد)، (کبوتر با کبوتر، باز با باز، کند همجنس با همجنس شوخی)

۵- از سمرقند به بخارا

۶- چون مهماندار می خواست او را وسط زمین و آسمان پیاده کند و این کار را انجام داد و روباه را

اخراج کرد

آموزگار: ساره کاظمی به نام خدا غیر دولتی دخترانه ی جوانه های علم و فرهنگ
چون کلاغ و دارکوب، پرنده هستند و در قانون ما هواپیمایی ها احترام پرنده ها بسیار واجب
۷- است

۸- روی سقف یک مرغدانی سقوط کرد و پس از سقوط خود را تکاند و شکمی از عزا در آورد
۹- اگر پرواز بلد نیستی، در هواپیما مثل بچه ی آدم بنشین

سرای امید

ایران، ای سرای امید *** بر بامت سپیده دمید

ایران، ای خانه امید و آرزو، بر بام تو سپیده و پیروزی طلوع کرد.

بنگر کزین ره پر خون *** خورشیدی خجسته رسید

بین که از این راه پر از رنج و سختی، خورشید پیروزی رسید

اگر چه دل ها پر خون است *** شکوه شادی، افزون است

اگر چه دل ها پر از رنج و سختی است اما شکوه و عظمت شادی زیاد است.

سپیده ی ما گلگون است *** که دست دشمن، در خون است

سپیده پیروزی ما به رنگ گل سرخ است زیرا که دست دشمن به خون آغشته است.

ای ایران، غمت مرصاد *** جاویدان، شکوه تو باد

ای ایران، امیدوارم غم و ناراحتی به تو نرسد و شکوه و عظمت همیشگی باشد.

راه ما راه حق، راه بهروزی است *** اتحاد، اتحاد، رمز پیروزی است

آموزگار: ساره کاظمی به نام خدا
غیر دولتی دخترانه ی جوانه های علم و فرهنگ
راه ما، راه حق و حقیقت و خوشبختی است. اتحاد و همبستگی رمز پیروزی است.

صلح و آزادی * جاودانه در همه جهان، خوش باد**

صلح و آزادی پایدار در سرتاسر جهان بسیار خوب و نیکو باشد

یادگار خون عاشقان، ای بهار * ای بهار تازه جاودان در این چمن شکفته باد**

هوشنگ ابتهاج مختص به سایه، از شاعران بزرگ معاصر است. این هنرمند بزرگ آثار بسیار زیبا و به یاد ماندنی خلق کرده است که شعر سرای امید از میان آن‌ها برگزیده شده است. ابتهاج در این شعر که در وصف کشور عزیزمان سروده است، اتحاد را رمز پیروزی می‌داند و آرزو صلح در سرتاسر جهان دارد.

خوانش و فهم

۱- اتحاد